

سوره الشعراء (۲۶): آیه ۲۲۶ ص: ۴۰۵

(آیه ۲۲۶) - به علاوه شاعران معمولاً مردان بزمند نه جنگاوران رزم، اهل سخند نه عمل، لذا در این آیه اضافه می‌کند: «و (آیا نمی‌بینی که) آنها سخنانی می‌گویند که عمل نمی‌کنند» (وَ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ).
اما پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سر تا پا عمل است، و حتی دشمنان او وی را به عزم راسخ و استقامت عجیبش و اهمیت دادن به جنبه‌های عملی مسائل می‌ستایند شاعر کجا و پیامبر اسلام کجا؟

سوره الشعراء (۲۶): آیه ۲۲۷ ص: ۴۰۵

(آیه ۲۲۷) - ولی از آنجا که در میان شاعران افراد پاک و هدفداری پیدا می‌شوند که اهل عمل و حقیقتند، و دعوت کننده به راستی و پاکی - هر چند از این قماش شاعران در آن محیط کمتر یافت می‌شد - قرآن برای این که حق این هنرمندان با ایمان و تلاشگران صادق، ضایع نگردد، با یک استثنا صف آنها را از دیگران جدا کرده، می‌گوید: «مگر کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند» (إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ). برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۰۶
شاعرانی که هدف آنها تنها شعر نیست، بلکه در شعر، هدفهای الهی انسانی می‌جویند، شاعرانی که غرق در اشعار نمی‌شوند و غافل از خدا، بلکه «خدا را بسیار یاد می‌کنند» و اشعارشان مردم را به یاد خدا و می‌دارد (وَ ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا).
«و به هنگامی که مورد ستم قرار می‌گیرند (از این ذوق خویش) برای دفاع از خویشتن (و مؤمنان) به پا می‌خیزند» (وَ انْتَصِرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا).

و به این ترتیب چهار صفت برای این شاعران با هدف بیان کرده: «ایمان»، «عمل صالح» «بسیار به یاد خدا بودن» و «در برابر ستمها به پا خواستن و از نیروی شعر برای دفع آن کمک گرفتن».
و از آنجا که بیشتر آیات این سوره دلداری به پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان اندک آن روز در برابر انبوه دشمنان است، و نیز از آنجا که بسیاری از آیات این سوره در مقام دفاع از پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر تهمت‌های ناروا نازل شده، سوره را با یک جمله پر معنی و تهدیدآمیز به این دشمنان لجوج پایان داده، می‌گوید: «آنها که ستم کردند به زودی می‌دانند که بازگشتشان به کجاست» و سر نوشتشان چگونه است! (وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ).
«پایان سوره شعراء»

برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۰۷

سوره نمل [۲۷] ص: ۴۰۷

اشاره

این سوره در «مکه» نازل شده، و ۹۳ آیه است

محتوای سوره: ص: ۴۰۷

محتوای این سوره از نظر کلی همان محتوای سوره‌های مکی است، از نظر اعتقادی بیشتر روی مبدا و معاد تکیه می‌کند. و از نظر مسائل عملی و اخلاقی، بخش قابل ملاحظه‌ای از سرگذشت پنج پیامبر بزرگ الهی، و مبارزات آنها با اقوام منحرف بحث می‌کند، تا هم دلداری و تسلی خاطر برای مؤمنانی باشد که مخصوصاً در آن روز در مکه در اقلیت شدید قرار داشتند، و هم هشدار باشد برای مشرکان لجوج و بیدادگر.

یکی از امتیازات این سوره بیان بخش مهمی از داستان «سلیمان» و «ملکه سبا» و چگونگی ایمان آوردن او به توحید، و سخن گفتن پرندگان، همچون هدهد، و حشراتی همچون مورچه، با سلیمان است.

این سوره به خاطر همین معنی، سوره «نمل» (مورچه) نامیده شده، و عجب این که در بعضی از روایات به نام سوره سلیمان آمده است.

ضمناً این سوره از علم بی‌پایان پروردگار، و نظارت او بر همه چیز در عالم هستی، و حاکمیت او در میان بندگان سخن می‌گوید.

این سوره با «بشارت» شروع می‌شود، و با «تهدید» پایان می‌یابد، بشارتی که قرآن برای مؤمنان آورده، و تهدید به این که خداوند از اعمال شما بندگان غافل نیست.

برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۰۸

فضیلت تلاوت سوره: ص: ۴۰۸

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ چنین آمده است: «هر کس سوره طس سلیمان (سوره نمل) را بخواند خداوند به تعداد کسانی که سلیمان را تصدیق و یا تکذیب کردند، و همچنین هود و شعیب و صالح و ابراهیم را، ده حسنه به او می‌دهد، و به هنگام رستاخیز که از قبرش بیرون می‌آید، ندای لا اله الا الله سر می‌دهد».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

سوره النمل (۲۷): آیه ۱ ص: ۴۰۸

(آیه ۱) - قرآن از سوی حکیم دانایی است: باز در آغاز این سوره به «حروف مقطعه» قرآن بر خورد می‌کنیم «طا، سین» (طس).

با توجه به این که بلافاصله بعد از آن از عظمت قرآن سخن می‌گوید به نظر می‌رسد که یکی از اسرار آن این باشد که این کتاب بزرگ و آیات مبین از حروف ساده الفبا تشکیل یافته، و زینده ستایش، آن آفریدگاری است که چنین اثر بدیعی را از چنان مواد ساده‌ای به وجود آورده.

سپس می‌افزاید: «این آیات قرآن و کتاب مبین است» (تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۲ ص: ۴۰۸

(آیه ۲) - در این آیه دو توصیف دیگر برای قرآن بیان شده: قرآنی که «مایه هدایت، و وسیله بشارت برای مؤمنان است» (هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ).

چرا که تا مرحله‌ای از تقوا و تسلیم و ایمان به واقعیتها در دل انسان نباشد به دنبال حق نمی‌رود.

سوره النمل (۲۷): آیه ۳ ص: ۴۰۸

(آیه ۳) - «همان کسانی که نماز را بر پامی دارند و زکات را ادا می‌کنند و به آخرت یقین دارند» (الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ).

و به این ترتیب هم اعتقاد آنها به مبدأ و معاد محکم است، و هم پیوندشان با خدا و خلق. بنا بر این اوصاف فوق اشاره‌ای به اعتقاد کامل و برنامه عملی جامع آنهاست.

برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۰۹

سوره النمل (۲۷): آیه ۴ ص: ۴۰۹

(آیه ۴) - سپس به بیان حال گروهی که در نقطه مقابل مؤمنان قرار دارند پرداخته و یکی از خطرناکترین حالاتشان را چنین باز گو می‌کند: «کسانی که ایمان به آخرت ندارند اعمال سوئشان را برای آنها زینت می‌دهیم پس در طریق زندگی حیران و سرگردان می‌شوند» (إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ).

آلودگی در نظر آنها پاکی، زشتیها نزد آنها زیبا، پستیها افتخار، و بد بختیها و سیه روزیها سعادت و پیروزی محسوب می‌شود. این دگرگونی ارزشها، و به هم ریختن معیارها در نظر انسان، که نتیجه‌اش سرگردان شدن در بیراهه‌های زندگی است از بدترین حالاتی می‌باشد که به یک انسان دست می‌دهد.

سوره النمل (۲۷): آیه ۵ ص: ۴۰۹

(آیه ۵) - سپس به نتیجه «تزیین اعمال» پرداخته و سرانجام کار چنین کسانی را این گونه بیان می‌کند: «آنها کسانی هستند که عذابی بد (و شدید و دردناک) دارند» (أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ).

در دنیا سرگردان و مأیوس و پریشان خواهند بود، و در آخرت گرفتار مجازاتی هولناک.

«و آنها در آخرت زیانکارترین مردمند» (وَ هُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ).

چه زبانی از این بالاتر که انسان اعمال زشتش را زیبا ببیند و تمام نیروی خود را برای آن به کار گیرد، اما سرانجام ببیند جز بد بختی و سیه روزی به بار نیاورده است.

سوره النمل (۲۷): آیه ۶ ص: ۴۰۹

(آیه ۶) - و در این آیه به عنوان تکمیلی بر اشارات گذشته در زمینه عظمت محتوای قرآن، و مقدمه‌ای برای داستانهای انبیا که بلافاصله بعد از آن شروع می‌شود می‌فرماید: «بطور مسلم این قرآن از سوی حکیم دانایی بر تو القا می‌شود» (وَ إِنَّكَ لَتَلَقِّي الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ عَلِيمٍ).

گرچه «حکیم» و «علیم» هر دو اشاره به دانایی پروردگار است، ولی «علیم» از آگاهی بی‌پایان خدا خبر می‌دهد، و «حکیم» از

حساب و هدفی که در ایجاد این برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۱۰
عالم و نازل کردن قرآن به کار رفته است.

سورة النمل (۲۷): آیه ۷ ص: ۴۱۰

(آیه ۷) - موسی اینجا به امید قبسی می آید! چنانکه گفتیم در این سوره، بعد از بیان اهمیت قرآن، گوشه‌ای از سرگذشت پنج تن از پیامبران بزرگ و قوم آنها به میان آمده است، و وعده پیروزی مؤمنان و مجازات کافران در آنها به روشنی بازگو شده. نخست از پیامبر اولوالعزم موسی (ع) شروع می‌کند و مستقیماً به سراغ لحظه‌ای که نخستین جرقه وحی در دل او درخشید، و با پیام و سخن الهی آشنا شد، می‌رود، و می‌گوید: به خاطر بیاور «هنگامی را که موسی به خانواده خود گفت: من آتشی از دور دیدم!» (إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا).

همین جا توقف کنید «من به زودی خبر از آن برای شما می‌آورم و یا شعله‌ای از آتش، تا گرم شوید» (سَاتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ آتِيكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ).

و این در همان شبی بود که با همسرش دختر شعیب در طریق مصر در بیابانی تاریک و ظلمانی گرفتار آمد، راه را گم کرد، و در همین حال درد وضع حمل به همسرش دست داد، موسی احساس نیاز شدیدی به افروختن آتش و استفاده از گرمای آن می‌کرد، همین که شعله آتش را از دور دید خوشحال شد، و آن را دلیل بر وجود انسان یا انسانهایی گرفت، و گفت می‌روم، یا برای شما خبری می‌آورم و یا شعله آتشی که با آن گرم شوید.

سورة النمل (۲۷): آیه ۸ ص: ۴۱۰

(آیه ۸) - موسی خانواده‌اش را در همانجا گذاشت و به آن سو که آتش دیده بوده حرکت کرد «پس هنگامی که نزد آتش رسید، ندایی برخاست که: مبارک باد آن کس که در آتش است، و کسی که در اطراف آن است، و منزّه است خداوندی که پروردگار عالمیان است» (فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ).

منظور از کسی که در آتش است موسی (ع) بوده که به آن شعله آتش که از میان درخت سبز نمایان شده بوده، آنقدر نزدیک گردیده که گویی در درون آن قرار برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۱۱ داشت، و منظور از کسی که اطراف آن قرار دارد فرشتگان مقرب پروردگار است که در آن لحظه خاص، آن سرزمین مقدس را احاطه کرده بودند.

و یا این که به عکس منظور از کسانی که در آتشند فرشتگان الهی می‌باشند و کسی که در گرد آن قرار دارد موسی (ع).

سورة النمل (۲۷): آیه ۹ ص: ۴۱۱

(آیه ۹) - بار دیگر ندایی برخاست و موسی را مخاطب ساخته، گفت:

«ای موسی! من خداوند عزیز و حکیمم» (یا مُوسَىٰ إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ).

این جمله برای این بود که هر گونه شک و تردید از موسی، بر طرف شود، و بدانند که این خداوند عالمیان است که با او سخن می‌گوید نه شعله آتش یا درخت خداوندی که «شکست‌ناپذیر» و «صاحب حکمت و تدبیر» است.

سوره النمل (۲۷): آیه ۱۰ ص: ۴۱۱

(آیه ۱۰) - از آنجا که مأموریت رسالت آن هم در برابر ظالم و جباری همچون فرعون نیاز به قدرت و قوت ظاهری و باطنی و سند حقانیت محکم دارد، در اینجا به موسی (ع) دستور داده شد «و عصایت را بیفکن» (وَ أَلْقِ عَصَاكَ).

موسی عصای خود را افکند، ناگاه تبدیل به مار عظیمی شد «هنگامی که موسی نظر به آن افکند، دید با سرعت همچون مارهای کوچک به هر سو می‌دود و حرکت می‌کند (ترسید و) به عقب برگشت و حتی پشت سر خود را نگاه نکرد» (فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَّتْ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ).

در اینجا بار دیگر به موسی خطاب شد: «ای موسی! نترس که رسولان در نزد من ترس و وحشتی ندارند» (یا موسی لا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ).

یعنی ای موسی! تو در حضور پروردگار بزرگ هستی، و حضور او ملازم با امنیت مطلق است!

سوره النمل (۲۷): آیه ۱۱ ص: ۴۱۱

(آیه ۱۱) - اما در این آیه استثنایی برای جمله «إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ» بیان کرده، می‌گوید: «مگر کسی که ستم کند سپس (در مقام توبه و جبران بر آید و) بدی را تبدیل به نیکی کند که من غفور و رحیمم»، توبه او را می‌پذیرم و به او نیز امنیت می‌بخشم (إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ).

برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۱۲

سوره النمل (۲۷): آیه ۱۲ ص: ۴۱۲

(آیه ۱۲) - سپس دومین معجزه موسی (ع) را به او ارائه کرد، فرمود:

«و دستت را در گریبان داخل کن هنگامی که خارج می‌شود، سفید و درخشنده است بی آنکه عیبی در آن، باشد» (وَ أَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سُوءٍ).

یعنی این سفیدی ناشی از بیماری «برص» نیست، بلکه نورانیت و درخشندگی و سفیدی جالبی است که خود بیانگر وجود یک معجزه و امر خارق عادت است.

باز برای این که به موسی (ع) لطف بیشتری کند و به منحرفان امکان بیشتری برای هدایت دهد، می‌گوید: معجزات تو منحصر به این دو نیست، بلکه این دو معجزه «در زمره معجزات نه گانه‌ای است که تو با آنها بسوی فرعون و قومش فرستاده می‌شوی آنان قومی فاسد و طغیانگرند» و نیاز به راهنمایی دارند، مجهز به معجزات بزرگ فراوان (فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ).

از ظاهر این آیه چنین استفاده می‌شود که این دو معجزه جزء نه معجزه معروف موسی بوده است نه اضافه بر آن.

سوره النمل (۲۷): آیه ۱۳ ص: ۴۱۲

(آیه ۱۳) - بالاخره موسی (ع) با قویترین سلاح معجزه، مسلح شد، و به سراغ فرعون و فرعونیان آمد و آنها را به سوی آیین

حق دعوت کرد قرآن در این آیه می‌گوید: «هنگامی که آیات روشنی بخش ما به سراغ آنان آمد گفتند: این سحر آشکاری است» (فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ).

و می‌دانیم این تهمت تنها در مورد موسی (ع) نبود، بلکه متعصبان لجوج برای توجیه مخالفت‌های خود با انبیا تهمت سحر را مطرح می‌نمودند.

سوره النمل (۲۷): آیه ۱۴ ص: ۴۱۲

(آیه ۱۴) - جالب این که در این آیه قرآن اضافه می‌کند: این اتهامات به خاطر آن نبود که راستی در شک و تردید باشند، بلکه آنها «معجزات را از روی ظلم و برتری جویی انکار کردند، در حالی که در دل به آن یقین و اطمینان داشتند» (وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا). برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۱۳

از این تعبیر به خوبی استفاده می‌شود که ایمان واقعی غیر از علم و یقین دارد، و ممکن است کفر از روی جحود و انکار در عین علم و آگاهی سرزند.

در پایان آیه به عنوان یک درس عبرت با یک جمله کوتاه و بسیار پر معنی به سرانجام شوم فرعونیان و غرق و نابودی آنها اشاره کرده، می‌گوید:

«پس بنگر سرانجام تبهکاران و مفسدان چگونه بود؟» (فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۱۵ ص: ۴۱۳

(آیه ۱۵) - حکومت داود و سلیمان: به دنبال نقل گوشه‌ای از داستان موسی (ع) به بحث پیرامون دو تن دیگر از پیامبران بزرگ الهی، «داود» و «سلیمان» می‌پردازد، که اینها نیز از پیامبران بنی اسرائیل بودند، و تفاوتی که تاریخ آنها با تواریخ پیامبران دیگر دارد این است که اینها بر اثر آمادگی محیط فکری و اجتماعی بنی اسرائیل توفیق یافتند دست به تأسیس حکومت عظیمی بزنند، و آیین الهی را با استفاده از نیروی حکومت، گسترش دهند، لذا از لحن سرگذشت پیامبران دیگر که با مخالفت شدید قوم خود رو برو می‌شدند در اینجا خبری نیست.

جالب این که قرآن سخن را از مسأله «موهبت علم» که زیر بنای یک حکومت صالح و نیرومند است شروع کرده، می‌گوید: «و ما به داود و سلیمان علم قابل ملاحظه‌ای بخشیدیم» (وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا).

روشن است که «علم» در اینجا معنی گسترده و وسیعی دارد که علم توحید و اعتقادات مذهبی و قوانین دینی، و همچنین علم قضاوت، و تمام علوم را که برای تشکیل چنان حکومت وسیع و نیرومندی لازم بوده است در بر می‌گیرد.

و به دنبال این جمله از زبان داود و سلیمان چنین نقل می‌کند: «و آنها گفتند:

حمد و ستایش از آن خداوندی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشید» (وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ).

جالب این که بلافاصله بعد از بیان موهبت بزرگ «علم»، سخن از «شکر» به میان آمده، تا روشن شود هر نعمتی را شکری لازم است، و حقیقت شکر آن است که از آن نعمت در همان راهی که برای آن آفریده شده است استفاده شود و این دو

برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۱۴

پیامبر بزرگ از نعمت علمشان در نظام بخشیدن به یک حکومت الهی حد اکثر بهره را گرفتند.

سوره النمل (۲۷): آیه ۱۶ ص: ۴۱۴

(آیه ۱۶) - در این آیه نخست اشاره به ارث بردن سلیمان از پدرش داود کرده، می گوید: «سلیمان وارث داود شد» (و وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ). و همه مواهب او را به ارث برد. سپس قرآن می افزاید: «سلیمان گفت: ای مردم! به ما سخن گفتن پرندگان تعلیم شده» (وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ). «و از همه چیز به ما داده شده است، و این فضیلت آشکاری است» (وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ). یعنی تمام وسائلی را که از نظر معنوی و مادی برای تشکیل این حکومت الهی لازم است به ما داده شده است.

سوره النمل (۲۷): آیه ۱۷ ص: ۴۱۴

(آیه ۱۷) - سلیمان در وادی مورچگان! از آیات این سوره، و همچنین از آیات سوره سبأ به خوبی استفاده می شود که داستان حکومت حضرت سلیمان جنبه عادی نداشت، بلکه توأم با خارق عادات و معجزات مختلفی بود. در حقیقت خداوند قدرت خود را در ظاهر ساختن این حکومت عظیم و قوایی که مسخر آن بود نشان داد. نخست می گوید: «لشکریان سلیمان از جن و انس و پرندگان نزد او جمع شدند» (وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ). آنقدر زیاد بودند که «باید توقف می کردند تا به هم ملحق شوند» (فَهُمْ يُوزَعُونَ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۱۸ ص: ۴۱۴

(آیه ۱۸) - به هر حال، سلیمان با این لشکر عظیم حرکت کرد «تا به سر زمین مورچگان رسیدند» (حَيْتَّى إِذَا أَتَوْا عَلَى وَادِ النَّمْلِ). در اینجا «مورچه ای (از مورچگان، هموعان خود را مخاطب ساخت و) گفت: ای مورچگان! داخل لانه های خود شوید تا سلیمان و لشکریانش شما را پایمال نکنند در حالی که نمی فهمند!» (قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ) برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۱۵
لا يَحِطْمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۱۹ ص: ۴۱۵

(آیه ۱۹) - «سلیمان از شنیدن این سخن مورچه تبسم کرد و خندید» (فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا). در اینجا سلیمان رو به درگاه خدا کرد و چند تقاضا نمود. نخست این که: «عرضه داشت: پروردگارا! راه و رسم شکر نعمتهایی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته ای به من الهام فرما» (وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ).

تا بتوانم با بسیج همه نیروهایم این همه نعمتهای عظیم را در راهی که تو فرمان داده‌ای و مایه خشنودی توست به کار گیرم و از مسیر حق منحرف نگردم.

دیگر این که مرا موفق دار «تا عمل صالحی به جای آورم که تو از آن خشنود می‌شوی» (وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحاً تَرْضَاهُ). و بالاخره سومین تقاضایش این بود که عرضه داشت: پروردگارا! «مرا به رحمت در زمره بندگان صالحت داخل گردان» (وَ أَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ).

یعنی هدف نهایی به دست آوردن قدرت، انجام عمل صالح است و عمل صالح نیز مقدمه‌ای است برای جلب خشنودی و رضای خدا که هدف نهایی است.

سوره النمل (۲۷): آیه ۲۰..... ص: ۴۱۵

(آیه ۲۰) - داستان هدهد و ملکه سبا: در اینجا به فراز دیگری از زندگی شگفت‌انگیز سلیمان اشاره کرده، و ماجرای هدهد و ملکه سبا را باز گو می‌کند.

نخست می‌گوید: «سلیمان در جستجوی آن پرنده [هدهد] بر آمد» (وَ تَفَقَّدَ الطَّيْرَ).

این تعبیر به وضوح بیانگر این حقیقت است که او به دقت مراقب وضع کشور و اوضاع حکومت خود بود و حتی غیبت یک مرغ از چشم او پنهان نمی‌ماند! بدون شک منظور از پرنده در اینجا همان هدهد است، چنانکه در ادامه سخن، قرآن می‌افزاید، سلیمان «گفت: مرا چه شده است که هدهد را نمی‌بینم» (فَقَالَ مَا لِي لَأَرَى الْهُدْهُدَ). برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۱۶ «یا این که او از غائبان است» (أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ).

یعنی آیا او بدون عذر موجهی حضور ندارد و یا با عذر موجهی غیبت کرده است؟

سوره النمل (۲۷): آیه ۲۱..... ص: ۴۱۶

(آیه ۲۱) - «سلیمان» برای این که حکم غیابی نکرده باشد، و در ضمن غیبت هدهد روی بقیه پرنده‌گان - تا چه رسد به انسانهایی که پستهای حساسی بر عهده داشتند - اثر نگذارد افزود: «من او را قطعاً کیفر شدیدی خواهم داد!» (لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَاباً شَدِيداً).

«یا او را ذبح می‌کنم!» (أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ).

«یا (برای غیبتش) باید دلیل روشنی به من ارائه دهد» (أَوْ لِيَأْتِنِي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ).

در حقیقت سلیمان (ع) تهدید لازم را در صورت ثبوت تخلف نمود، ضمناً نشان داد که او حتی در برابر پرنده ضعیفی تسلیم دلیل و منطق است و هرگز تکیه بر قدرت و توانایش نمی‌کند.

سوره النمل (۲۷): آیه ۲۲..... ص: ۴۱۶

(آیه ۲۲) - «چندان درنگ نکرد» که هدهد آمد (فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ).

بازگشت و با صراحت به سلیمان چنین «گفت: من بر چیزی آگاهی یافتم که تو بر آن آگاهی نداری، من از سر زمین سبا یک خبر قطعی (و دست اول) برای تو آورده‌ام»؟ (فَقَالَ أَحَطُّ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَ جِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۲۳ ص : ۴۱۶

(آیه ۲۳) - هدهد در شرح ماجرا چنین گفت: «من (به سر زمین سبا رفته بودم) زنی را در آنجا یافتم که بر آنها حکومت می‌کند، و همه چیز را در اختیار دارد مخصوصاً تخت عظیمی داشت!» (إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ).

«هدهد» با این سه جمله تقریباً تمام مشخصات کشور سبا و طرز حکومت آن را برای سلیمان باز گو کرد.

سوره النمل (۲۷): آیه ۲۴ ص : ۴۱۶

(آیه ۲۴) - سلیمان از شنیدن این سخن در فکر فرو رفت ولی هدهد به او مجال نداد و مطلب دیگری بر آن افزود گفت: مسأله عجیب و ناراحت کننده‌ای که برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۱۷
من در آنجا دیدم این بود که: «مشاهده کردم آن زن و قوم و ملتش در برابر خورشید - نه در برابر الله - سجده می‌کنند!» (وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ).

«و شیطان (بر آنها تسلط یافته و) اعمالشان را در نظرشان زینت داده» و افتخار می‌کنند که در برابر آفتاب سجده می‌نمایند! (و زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ).

و به این ترتیب «شیطان آنها را از راه حق باز داشته» (فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ).

آنها چنان در بت پرستی فرو رفته‌اند که من باور نمی‌کنم به آسانی از این راه برگردند «آنها هدایت نخواهند شد» (فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۲۵ ص : ۴۱۷

(آیه ۲۵) - سپس افزود: «آنها چرا برای خداوندی سجده نمی‌کنند که آنچه در آسمانها و زمین پنهان است خارج می‌کند، و آنچه را مخفی می‌دارید و آنچه را آشکار می‌سازید می‌داند» (أَلَا يَسْتَجِدُّوْا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ).

یعنی چرا برای خداوندی سجده نمی‌کنند که غیب آسمان و زمین و اسرار نهفته آن را می‌داند.

سوره النمل (۲۷): آیه ۲۶ ص : ۴۱۷

(آیه ۲۶) - و سرانجام سخن خود را چنین پایان می‌دهد: «همان خداوندی که معبودی جز او نیست و پروردگار و صاحب عرش عظیم است» (اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ).

و به این ترتیب روی «توحید عبادت» و «توحید ربوبیت» پروردگار، و نفی هر گونه شرک تأکید کرده و سخن خود را به پایان می‌برد.

سوره النمل (۲۷): آیه ۲۷ ص : ۴۱۷

(آیه ۲۷) - سلیمان با دقت به سخنان هدهد گوش فرا داد، و در فکر فرو رفت، سپس چنین گفت: «ما تحقیق به عمل می آوریم بینیم تو راست گفتی یا از دروغگویان هستی؟! (قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ). سلیمان نه هدهد را متهم ساخت و محکوم کرد، و نه سخن او را بی دلیل تصدیق نمود، بلکه آن را پایه تحقیق قرار داد. برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۱۸

سوره النمل (۲۷): آیه ۲۸ ص: ۴۱۸

(آیه ۲۸) - به هر حال سلیمان نامه‌ای بسیار کوتاه و پر محتوا نوشت و به هدهد داد و گفت: «این نامه مرا ببر و بر آنان بیفکن، سپس بر گرد (و در گوشه‌ای توقف کن) بین آنها چه عکس العملی نشان می دهند؟ (أَذْهَبَ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقَاهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۲۹ ص: ۴۱۸

(آیه ۲۹) - ملکه سبا نامه را گشود و از مضمون آن آگاهی یافت و چون قبلا اسم و آوازه سلیمان را شنیده بود و محتوای نامه نشان می داد که سلیمان تصمیم شدیدی در باره سرزمین سبا گرفته، سخت در فکر فرو رفت، و چون در مسائل مهم مملکتی با اطرافیانش به شور می نشست از آنها دعوت کرد، رو به سوی آنها نموده گفت: ای اشراف و بزرگان! نامه ارزشمندی به سوی من افکنده شده است! (قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۳۰ ص: ۴۱۸

(آیه ۳۰) - سپس ملکه سبا به ذکر مضمون نامه پرداخت و گفت: «این نامه از سوی سلیمان است و محتوایش چنین است: به نام خداوند بخشنده مهربان» (إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۳۱ ص: ۴۱۸

(آیه ۳۱) - توصیه‌ام به شما «این است برتری جویی در برابر من نکنید، و به سوی من آید و تسلیم حق شوید» (أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَ أَتُونِي مُسْلِمِينَ). آنچه در دو آیه فوق آمده، الگویی است برای طرز نامه نگاری که با نام خداوند رحمان و رحیم شروع شود و با دو جمله حساب شده جان سخن بیان گردد.

سوره النمل (۲۷): آیه ۳۲ ص: ۴۱۸

(آیه ۳۲) - بعد از ذکر محتوای نامه سلیمان، برای سران ملت خود رو به سوی آنها کرده، چنین گفت: ای اشراف و صاحب نظران! رأی خود را در این کار مهم برای من ابراز دارید که من هیچ کار مهمی را بی حضور شما و بدون نظر شما انجام نداده‌ام! (قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۳۳ ص: ۴۱۸

(آیه ۳۳) - «اشراف قوم» در پاسخ او چنین «گفتند: ما دارای نیروی کافی و قدرت جنگی فراوان هستیم، ولی تصمیم نهایی با توست، بین چه دستور برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۱۹ می‌دهی» (قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةً وَ أَوْلُوا بِأَسِّ شَدِيدٍ وَ الْأَمْرُ إِلَيْكَ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ).
به این ترتیب هم تسلیم خود را در برابر دستورات او نشان دادند، و هم تمایل خود را به تکیه بر قدرت و حضور در میدان جنگ!

سوره النمل (۲۷): آیه ۳۴ ص: ۴۱۹

(آیه ۳۴) - ملکه هنگامی که تمایل آنها را به جنگ مشاهده کرد، در حالی که خود باطنا تمایل به این کار نداشت برای فرو نشاندن این عطش، و هم برای این که حساب شده با این جریان برخورد کند، چنین «گفت: پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند آن را به فساد و ویرانی می‌کشاند!» (قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا).
«و عزیزان اهل آن را به ذلت می‌نشانند» (وَ جَعَلُوا أَهْلَهَا أَذِلَّةً).
سپس برای تأکید بیشتر گفت: «آری این چنین می‌کنند» (وَ كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ).
در حقیقت ملکه سبا که خود پادشاهی بود، شاهان را خوب شناخته بود که برنامه آنها در دو چیز خلاصه می‌شود: «فساد و ویرانگری» و «ذلیل ساختن عزیزان»، چرا که آنها به منافع خود می‌اندیشند، نه به منافع ملتها و آبادی و سر بلندی آنها و همیشه این دو بر ضد یکدیگرند.

سوره النمل (۲۷): آیه ۳۵ ص: ۴۱۹

(آیه ۳۵) - سپس ملکه افزود: ما باید قبل از هر کار سلیمان و اطرافیان او را بیازماییم و ببینیم به راستی چه کاره‌اند؟ سلیمان پادشاه است یا پیامبر؟ ویرانگر است یا مصلح؟ ملتها را به ذلت می‌کشاند یا عزت؟ و برای این کار باید از هدیه استفاده کرد، لذا «من هدیه قابل ملاحظه‌ای برای آنها می‌فرستم تا ببینم فرستادگان من چه واکنشی را از ناحیه آنها برای ما می‌آورند» (وَ إِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ).
پادشاهان علاقه شدید به «هدایا» دارند، و نقطه ضعف و زبونی آنها نیز همین جاست، آنها را می‌توان با هدایای گرانبها تسلیم کرد، اگر دیدیم سلیمان با این هدایا تسلیم شد، معلوم می‌شود «شاه» است! در برابر او می‌ایستیم، و گر نه پیامبر خداست در این صورت باید عاقلانه برخورد کرد.
برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۲۰

سوره النمل (۲۷): آیه ۳۶ ص: ۴۲۰

(آیه ۳۶) - مرا با مال نفریبید! فرستادگان ملکه سبا با کاروان هدایا، سر زمین یمن را پشت سر گذاشتند و به سوی شام و مقر سلیمان حرکت کردند، به گمان این که سلیمان از مشاهده منظره این هدایا خوشحال می‌شود، و به آنها شاد باش می‌گوید، اما

«هنگامی که (فرستاده ملکه سبا) نزد سلیمان آمد (سلیمان نه تنها از آنها استقبال نکرد بلکه) گفت: می‌خواهید مرا با مال کمک کنید (و فریب دهید) آنچه خدا به من داده بهتر است از آنچه به شما داده است» (فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَ بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ).

مال چه ارزشی در برابر مقام نبوت و علم و دانش و هدایت و تقوا دارد؟
«بلکه شما هستید که به هدایای خود خوشحال می‌شوید» (بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ).
و به این ترتیب سلیمان، معیارهای ارزش را در نظر آنها تحقیر کرد و روشن ساخت که معیارهای دیگری برای ارزش در کار است.

سوره النمل (۲۷): آیه ۳۷ ص: ۴۲۰

(آیه ۳۷) - سپس برای این که قاطعیت خود را در مسأله «حق و باطل» نشان دهد به فرستاده مخصوص ملکه سبا چنین گفت:
«به سوی آنان باز گرد (و این هدایا را نیز با خود ببر اما بدان) ما به زودی با لشکری به سراغ آنها خواهیم آمد که توانایی مقابله با آن را نداشته باشند» (ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا).
«و ما آنها را از آن سر زمین آباد با ذلت خارج می‌کنیم در حالی که کوچک و حقیر خواهند بود» (وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ).
چرا که در برابر آیین حق، تسلیم نشدند و از در مکر و فریب وارد گشتند.

سوره النمل (۲۷): آیه ۳۸ ص: ۴۲۰

(آیه ۳۸) - در یک چشم بر هم زدن تخت او حاضر است! سرانجام فرستادگان ملکه سبا هدایا و بساط خود را بر چیدند و به سوی کشورشان باز گشتند.
و ماجرا را برای ملکه و اطرافیانش شرح دادند، و بیان داشتند که او به راستی فرستاده خداست و حکومتش نیز یک حکومت الهی است.
لذا ملکه سبا با عده‌ای از اشراف قومش تصمیم گرفتند به سوی سلیمان بیایند و شخصا این مسأله مهم را بررسی کنند تا معلوم شود سلیمان چه آیینی دارد؟ برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۲۱
این خبر از هر طریقی که بود به سلیمان رسید، و تصمیم گرفت قدرت نمایی شگرفی کند تا آنها را بیش از پیش به واقعیت اعجاز خود آشنا، و در مقابل دعوتش تسلیم سازد.
لذا سلیمان رو به اطرافیان خود کرد و «گفت: ای گروه بزرگان! کدامیک از شما توانایی دارد تخت او را پیش از آن که خودشان نزد من بیایند و تسلیم شوند برای من بیاورد» (قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوا أَئْيُكُم يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۳۹ ص: ۴۲۱

(آیه ۳۹) - در اینجا دو نفر اعلام آمادگی کردند که یکی از آنها عجیب و دیگری عجیتر بود.
نخست «عفریتی از جن رو به سوی سلیمان کرد و گفت: من تخت او را پیش از آن که (مجلس تو پایان گیرد و) از جای بر

خیزی نزد تو می آورم» (قَالَ عَفْرِيْتُ مِنَ الْجِنَّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ).
من این کار را با زحمت انجام نمی دهم و در این امانت گران قیمت نیز خیانتی نمی کنم، چرا که «من نسبت به آن توانا و امینم!» (وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ).

سورة النمل (۲۷): آية ۴۰..... ص: ۴۲۱

اشاره

(آیه ۴۰) - دومین نفر مرد صالحی بود که آگاهی قابل ملاحظه‌ای از «کتاب الهی» داشت، چنانکه قرآن در حق او می گوید: «کسی که علم و دانشی از کتاب داشت گفت: من تخت او را قبل از آن که چشم بر هم زنی نزد تو خواهم آورد!» (قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ).

این شخص یکی از نزدیکان با ایمان، و دوستان خاص سلیمان بوده است، و غالباً در تواریخ نام او را «آصف بن برخیا» نوشته‌اند، و می گویند وزیر سلیمان و خواهر زاده او بوده است.

و اما در باره «علم کتاب» بسیاری از مفسران و غیر آنها گفته‌اند این مرد با ایمان از «اسم اعظم الهی» با خبر بود. یعنی آن نام الهی را در درون جان خود پیاده کرده بود و آن چنان از نظر آگاهی و اخلاق و تقوا و ایمان تکامل یافته بود که خود مظهري از آن اسم گشته بود، این تکامل معنوی و روحانی که پرتوی از آن اسم اعظم الهی است قدرت بر چنین خارق عاداتی را در انسان ایجاد می کند. برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۲۲

و هنگامی که سلیمان با این امر موافقت کرد او با استفاده از نیروی معنوی خود تخت ملکه سبأ را در یک «طرفه العین» نزد او حاضر کرد: «پس هنگامی که سلیمان آن را نزد خود مستقر دید (زبان به شکر پروردگار گشود و) گفت: این از فضل پروردگار من است، تا مرا بیازماید که آیا شکر نعمت او را به جا می آورم یا کفران می کنم؟! (فَلَمَّا رَأَهُ مُسْتَقَرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ).

سپس افزود: «و هر کس شکر کند به سود خویش شکر کرده، و هر کسی کفران کند پروردگار من غنی و کریم است» (وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ).

تفاوت «عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» و «عِلْمُ الْكِتَابِ»: ص: ۴۲۲

در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین آمده است که «ابو سعید خدری» می گوید: من از معنی «الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» از محضرش سؤال کردم فرمود: «او وصی برادرم سلیمان بن داود بود.»

عرض کردم: «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (رعد/ ۴۳) از چه کسی سخن می گوید.

فرمود: «ذاک اخی علی بن ابی طالب او برادرم علی بن ابی طالب است!» توجه به تفاوت «علم من الكتاب» که علم جزئی را می گوید، و «علم الكتاب» که «علم کلی» را بیان می کند روشن می سازد که میان «آصف» و «علی» علیه السلام چه اندازه تفاوت بوده است؟!

سوره النمل (۲۷): آیه ۴۱ ص: ۴۲۲

(آیه ۴۱) - نور ایمان در دل ملکه سبا: سلیمان برای این که میزان عقل و درایت ملکه سبا را بیازماید، و نیز زمینه‌ای برای ایمان او به خداوند فراهم سازد، دستور داد تخت او را که حاضر ساخته بودند دگرگون و ناشناس سازند «گفت: تخت او را برایش ناشناس سازید ببینیم آیا هدایت می‌شود یا از کسانی خواهد بود که هدایت نمی‌یابند» و آیا تخت خود را می‌شناسد یا نمی‌شناسد؟ (قَالَ نَكُرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرُ أَ تَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۴۲ ص: ۴۲۲

(آیه ۴۲) - به هر حال «هنگامی که ملکه سبا وارد شد، (به او) گفته شد: آیا تخت تو این گونه است؟» (فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَ هَكَذَا عَرْشُكَ). برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۲۳
«ملکه سبا» زیرکانه‌ترین و حساب شده‌ترین جوابها را داد و «گفت: گویا خود آن تخت است!» (قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ).
و بلا فاصله افزود: «و ما پیش از این هم آگاه بودیم و اسلام آورده بودیم!» (وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَ كُنَّا مُسْلِمِينَ).
یعنی، اگر منظور سلیمان از این مقدمه چینی‌ها این است که ما به اعجاز او پی ببریم ما پیش از این با نشانه‌های دیگر از حقانیت او آگاه شده بودیم و حتی قبل از دیدن این خارق عادت عجیب ایمان آورده بودیم.

سوره النمل (۲۷): آیه ۴۳ ص: ۴۲۳

(آیه ۴۳) - و به این ترتیب سلیمان «او را از آنچه غیر از خدا می‌پرستید باز داشت» (وَ صَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ).
هر چند «او قبل از آن از قوم کافر بود» (إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۴۴ ص: ۴۲۳

(آیه ۴۴) - در این آیه صحنه دیگری از این ماجرا باز گو می‌شود، و آن ماجرای داخل شدن ملکه سبا در قصر مخصوص سلیمان است.

سلیمان دستور داده بود، صحن یکی از قصرها را از بلور بسازند و در زیر آن، آب جاری قرار دهند.
هنگامی که ملکه سبا به آنجا رسید «به او گفته شد: داخل حیاط قصر شو» یَلْ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ
«پس هنگامی که ملکه آن صحنه را دید، گمان کرد نهر آبی است و ساق پاهای خود را برهنه کرد» تا از آن آب بگذرد در حالی که سخت در تعجب فرو رفته بود که نهر آب در اینجا چه می‌کند؟ لَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَ كَشَفَتْ عَنْ سَاقَيْهَا
اما سلیمان به او «گفت: که حیاط قصر از بلور صاف ساخته شده» این آب نیست که بخواهد پا را برهنه کند و از آن بگذرد اَلْإِنَّهُ صَوْحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ)

در اینجا سؤال مهمی پیش می‌آید و آن این که: سلیمان که یک پیامبر بزرگ الهی بود چرا چنین دم و دستگاه تجملاتی فوق العاده‌ای داشته باشد؟ درست است که او سلطان بود و حکمروا، ولی مگر نمی‌شد بساطی ساده همچون سایر پیامبران داشته باشد؟ برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۲۴

اما چه مانعی دارد که سلیمان برای تسلیم کردن ملکه سبا که تمام قدرت و عظمت خود را در تخت و تاج زیبا و کاخ با شکوه و تشکیلات پر زرق و برق می دانست صحنه‌ای به او نشان دهد که تمام دستگاه تجملاتیش در نظر او حقیر و کوچک شود، و این نقطه عطفی در زندگی او برای تجدید نظر در میزان ارزشها و معیار شخصیت گردد؟! به تعبیر دیگر این هزینه در برابر امنیت و آرامش یک منطقه وسیع و پذیرش دین حق، و جلوگیری از هزینه فوق العاده جنگ، مطلب مهمی نبود.

و لذا هنگامی که ملکه سبا، این صحنه را دید چنین «گفت: پروردگارا! من بر خویشتن ستم کردم»! **الَّتِ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي** (و با سلیمان در پیشگاه الله، پروردگار عالیمان، اسلام آوردم) **أَسَلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** خداوندا! من همراه رهبر سلیمان به درگاه تو آمدم، از گذشته پشیمانم و سر تسلیم به آستانت می‌سایم.

سوره النمل (۲۷): آیه ۴۵ ص: ۴۲۴

(آیه ۴۵) - صالح در برابر قوم ثمود: بعد از ذکر قسمتی از سرگذشت «موسی» و «داود» و «سلیمان» - در آیاتی که گذشت - چهارمین پیامبری که بخشی از زندگی او و قومش در این سوره مطرح می‌گردد حضرت «صالح» و قوم ثمود است. نخست می‌فرماید: «و ما به سوی ثمود، برادرشان صالح را فرستادیم که خدای یگانه را بپرستید» **(وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ)**.

تعبیر به «أَخَاهُمْ» (برادرشان) که در داستان بسیاری از انبیا آمده اشاره به نهایت محبت و دلسوزی آنان نسبت به اقوامشان می‌باشد.

به هر حال تمام رسالت و دعوت این پیامبر بزرگ در جمله **«أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ»** خلاصه شده است، آری بندگی خدا، که عصاره همه تعلیمات فرستادگان پروردگار است.

سپس می‌افزاید «آنها در برابر دعوت صالح به دو گروه مختلف تقسیم شدند برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۲۵ و به مخاصمه برخاستند» مؤمنان از یک سو و منکران لجوج از سوی دیگر **(فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ)**.

سوره النمل (۲۷): آیه ۴۶ ص: ۴۲۵

(آیه ۴۶) - صالح برای بیدار ساختن آنها به اندازشان پرداخت و از عذابهای دردناک الهی آنها را بر حذر داشت، اما آنها نه تنها پند نگرفتند و بیدار نشدند، بلکه همین مطلب را مستمسکی برای لجاجت خویش ساخته و با اصرار از او خواستند که اگر راست می‌گویی چرا مجازات الهی دامان ما را فرو نمی‌گیرد - این مطلب در آیه ۷۷ سوره اعراف صریحا آمده است.

ولی صالح به آنها «گفت: ای قوم من! چرا پیش از تلاش و کوشش برای جلب نیکیها، برای عذاب و بدیها عجله دارید»؟ **(قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ)**.

چرا تمام فکر خود را روی فرا رسیدن عذاب الهی متمرکز می‌کنید، اگر عذاب الهی شما را فرو گیرد، به حیانتان خاتمه می‌دهد و مجالی برای ایمان باقی نخواهد ماند، بیایید صدق گفتار مرا در برکات و رحمت الهی که در سایه ایمان به شما نوید می‌دهد بیازمایید «چرا از پیشگاه خدا تقاضای آمرزش گناهان خویش نمی‌کنید تا مشمول رحمت او واقع شوید» **(لَوْلَا تَسْتَعْجِلُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ)**.

سوره النمل (۲۷): آیه ۴۷ ص: ۴۲۵

(آیه ۴۷) - به هر حال این قوم سرکش به جای این که اندرز دلسوزانه این پیامبر بزرگ را به گوش جان بشنوند و به کار بندند با یک سلسله سخنان واهی و نتیجه گیریهای بی پایه به مبارزه با او برخاستند، از جمله این که «گفتند: ما هم خودت و هم کسانی را که با تو هستند به فال بد گرفته ایم» (قَالُوا أَطِئْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ).
گویا آن سال خشکسالی و کمبود محصول و مواد غذایی بود، آنها گفتند: این گرفتاریها و مشکلات ما همه از قدوم نامیمون تو و یاران توست.

اما او در پاسخ «گفت: فال بد (و بخت و طالع شما) در نزد خداست» (قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ). برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۲۶

اوست که شما را به خاطر اعمالتان گرفتار این مصائب ساخته و اعمال شماست که در پیشگاه او چنین مجازاتی را سبب شده. این در حقیقت یک آزمایش بزرگ الهی برای شماست «آری شما گروهی هستید که آزمایش می شوید» (بَلِّئْ أُمَّتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ).

اینها آزمایشهای الهی است، تا کسانی که شایستگی و قابلیت دارند، از خواب غفلت بیدار شوند، و خود را اصلاح کنند.

سوره النمل (۲۷): آیه ۴۸ ص: ۴۲۶

(آیه ۴۸) - توطئه نه گروهک مفسد در وادی القری در اینجا بخش دیگری از داستان صالح و قومش را می خوانیم که بخش گذشته را تکمیل کرده و پایان می دهد، و آن مربوط به توطئه قتل صالح از ناحیه نه گروهک کافر و منافق و خنثی شدن توطئه آنهاست.

می گوید: «در آن شهر (وادی القری) نه گروهک بودند که (همیشه) فساد در زمین می کردند و اصلاح نمی کردند» (وَ كَانَ فِي الْمَدِينَةِ تَشْعُرٌ رَهْطٌ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۴۹ ص: ۴۲۶

(آیه ۴۹) - مسلماً با ظهور صالح و آیین پاک و مصلح او، عرصه بر این گروهکها تنگ شد، اینجا بود که طبق این آیه «گفتند: بیایید قسم یاد کنید به خدا که بر او [صالح] و خانواده اش شیخون می زنیم (و آنها را به قتل می رسانیم) سپس به ولی دم او می گوئیم: ما هرگز از هلاکت خانواده او خبر نداشتیم و در این گفتار خود صادق هستیم!» (قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَكُبَيْتَنَّهُ وَ أَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۵۰ ص: ۴۲۶

(آیه ۵۰) - هنگامی که آنها در گوشه ای از کوه بر سر راه صالح به معبدش کمین کرده بودند کوه ریزش کرد و صخره عظیمی از بالای کوه سرازیر شد و آنها را در لحظه ای کوتاه در هم کوبید و نابود کرد! لذا قرآن می گوید: «آنها نقشه مهمی کشیدند و ما هم نقشه مهمی کشیدیم، در حالی که آنها خبر نداشتند!» (وَ مَكْرُوا مَكْرًا وَ مَكْرُنَا مَكْرًا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۵۱ ص: ۴۲۷

(آیه ۵۱) - سپس می‌افزاید: «پس بنگر که عاقبت توطئه و مکر آنها چگونه بود که ما همه آنها و تمام قوم و طرفداران آنها را نابود کردیم؟! (فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَا دَمَرْنَاهُمْ وَ قَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۵۲ ص: ۴۲۷

(آیه ۵۲) - سپس قرآن در مورد چگونگی هلاکت و سرانجام آنها چنین می‌گوید: «پس بین این خانه‌های آنهاست که به خاطر ظلم و ستمشان (ساقط شده و) خالی مانده!» (فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا). آری! آتش ظلم و ستم در آنها افتاد و همه را سوزاند و ویران کرد. «در این ماجرا درس عبرت و نشانه روشنی است (از پایان کار ظالمان و قدرت پروردگار) برای کسانی که می‌دانند» (إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۵۳ ص: ۴۲۷

(آیه ۵۳) - اما در این میان خشک و تر با هم نسوختند و بی‌گناه به آتش گنهکار نسوخت «ما کسانی را که ایمان آورده، و تقوا پیشه کرده بودند نجات دادیم» و آنها هرگز به سر نوشت شوم بد کاران گرفتار نشدند» (وَ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۵۴ ص: ۴۲۷

(آیه ۵۴) - انحراف قوم لوط: پنجمین پیامبری که در این سوره به زندگی او اشاره شده است، پیامبر بزرگ خدا حضرت لوط است. نخست می‌گوید: «و لوط را به یاد آور هنگامی که به قومش گفت: آیا شما به سراغ کار بسیار زشت و قبیح می‌روید در حالی که (زشتی و نتایج شوم آن را) می‌بینید» (وَ لُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَ تَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ). منظور از «فاحشه» در اینجا همجنس‌گرایی و عمل ننگین «لواط» است.

سوره النمل (۲۷): آیه ۵۵ ص: ۴۲۷

(آیه ۵۵) - سپس می‌افزاید: «آیا شما به جای زنان به سراغ مردان از روی شهوت می‌روید» (أَ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ).

و برای این که روشن سازد انگیزه این عمل جهالت و نادانی است می‌افزاید: «بلکه شما قومی جاهل و نادان هستید» (بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ).

جهل به خداوند، جهل به هدف آفرینش و نوامیس خلقت و جهل به آثار شوم این گناه ننگین!
برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۲۸

آغاز جزء بیستم قرآن مجید ص: ۴۲۸

ادامه سوره نمل ص: ۴۲۸

سوره النمل (۲۷): آیه ۵۶ ص: ۴۲۸

(آیه ۵۶) - آنجا که پاکدامنی عیب بزرگی است! اکنون ببینیم این قوم کثیف و آلوده در پاسخ این گفتار منطقی لوط چه گفتند؟

قرآن می گوید: «آنها پاسخی جز این نداشتند که به یکدیگر گفتند: خاندان لوط را از شهر و دیار خود بیرون کنید، چرا که اینها افرادی پاکند» و حاضر نیستند خود را با ما هماهنگ کنند! (فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنْاسٌ يَتَطَهَّرُونَ).

جوابی که بیانگر انحطاط فکر و سقوط فوق العاده اخلاقی آنها بود.

آری! در محیط آلودگان، پاکی جرم است و عیب! یوسفهای پاکدامن را به جرم عفت و پارسایی به زندان می افکنند، و خاندان پیامبر بزرگ خدا «لوط» را به خاطر پرهیزشان از آلودگی و ننگ به تبعید تهدید می کنند، اما زلیخاها آزادند و صاحب مقام! و قوم لوط باید در شهر و دیار خود آسوده بمانند!

سوره النمل (۲۷): آیه ۵۷ ص: ۴۲۸

(آیه ۵۷) - در روایات آمده است که لوط حدود سی سال آنها را تبلیغ کرد ولی جز خانواده اش - آن هم به استثنای همسرش که با مشرکان هم عقیده شد - به او ایمان نیاوردند.

بدیهی است چنین گروهی که امید اصلاحشان نیست جائی در عالم حیات ندارند و باید طومار زندگانشان در هم پیچیده شود.

لذا در این آیه می گوید: «پس ما لوط و خاندانش را رهایی بخشیدیم به جز همسرش که مقدر کردیم او جزء باقیمانده گان باشد» (فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا مِنَ الْغَابِرِينَ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۵۸ ص: ۴۲۸

(آیه ۵۸) - و پس از بیرون آمدن آنها در موعد معین - در سحرگاه شبی که شهر غرق فساد و ننگ بود - پس از آن که صبحگاهان فرا رسید «بارانی (از سنگ) بر آنها فرستادیم (وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا). که همگی زیر آن مدفون شدند، و این بعد از

آن بود که زلزله وحشتناکی سر زمین آنها را بکلی زیر و رو کرد. برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۲۹

«و چه سخت و ناگوار و بد است باران انداز شدگان» (فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ).

(آیه ۵۹) - در این آیه بعد از پایان شرح حال پنج پیامبر بزرگ الهی و سر نوشت قوم آنها، روی سخن را به پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَرَدَه وَبِه عِنْوَانِ يَكْ نَتِيْجَه گيرى از گذشته، و مقدمه‌ای برای طرح گفتگو با مشرکان، چنین می‌فرماید:

«بگو: حمد و ستایش مخصوص خداست» (قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ).

ستایش مخصوص خداوندی است که اقوام ننگینی همچون قوم لوط را نابود کرد، مبادا دامنه آلودگیهای آنها سراسر زمین را فرا گیرد.

سپس می‌افزاید: «و سلام و درود بر بندگان بر گزیده‌اش» (وَ سَلَامٌ عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰى).

سلام بر موسی، صالح، لوط، سلیمان و داود علیهم السّلام و سلام بر همه انبیا و پیروان راستینشان.

بعد می‌گوید: «آیا خداوند (که این همه توانایی و قدرت و موهبت و نعمت دارد) بهتر است یا بتهایی را که آنها شریک خدا قرار می‌دهند» و مطلقاً مبدأ اثر نیستند؟! (أَلَلَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ).

(آیه ۶۰) - با این همه باز مشرک می‌شوید! در آیه قبل - بعد از ذکر بخشهای تکان دهنده‌ای از زندگی پنج پیامبر بزرگ - سؤال کوتاه و پر معنایی مطرح شد که «آیا خداوند با این همه قدرت و توانایی بهتر است یا بتهای بی‌ارزشی که آنها ساخته‌اند».

از اینجا به بعد به شرح آن سؤال پرداخته و ضمن پنج آیه که با پنج سؤال حساب شده شروع می‌شود مشرکان را تحت باز پرسى و محاکمه قرار می‌دهد، و روشترین دلائل توحید را ضمن اشاره به دوازده نمونه از مواهب بزرگ خداوند بیان می‌کند. نخست به خلقت آسمانها و زمین و نزول باران و برکات ناشی از آن پرداخته چنین می‌گوید: آیا بتهایی که معبود شما هستند بهترند «یا کسی که آسمانها و زمین را آفریده و برای شما از آسمان آبی فرستاد پس با آن باغهای زیبا و سرور انگیز برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۳۰»

رویانندیم» (أَمْ نَخْلَقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلْنَا لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ).

در دنباله آیه روی سخن را به بندگان کرده، می‌گوید: «شما قدرت نداشتید که درختان این باغهای زیبا را برویانید» (مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنبِتُوا شَجَرَهَا).

کار شما تنها بذرافشانی و آبیاری است، اما کسی که حیات را در دل این بذر آفریده، و به نور آفتاب و قطرات حیاتبخش باران و ذرات خاک فرمان می‌دهد که این دانه‌ها را برویانید، تنها خداست.

به تعبیر دیگر: توحید در خلقت (توحید خالق) و توحید در ربوبیت (توحید تدبیر کننده این جهان) پایه‌ای برای «توحید معبود» شمرده شده است.

و لذا در پایان آیه می‌گوید: «آیا معبود دیگری با خداست» (أَلِلَّهُ مَعَ اللَّهِ).

«بلکه آنها گروهی هستند که (از روی نادانی، مخلوقات را) هم طراز (پروردگارشان) قرار می‌دهند» (بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعِدُونَ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۶۱ ص: ۴۳۰

(آیه ۶۱) - در دومین سؤال به بحث از موهبت آرامش و ثبات زمین و قرارگاه انسان در این جهان پرداخته، می‌گوید: آیا معبودهای ساختگی آنها بهتر است «یا کسی که زمین را مستقر و آرام قرار داد، و در میان آن، نهرهای آب جاری، روان ساخت، و برای زمین، کوههای ثابت و پا بر جا ایجاد کرد»؟! تا همچون زرهی قشر زمین را از لرزش نگاه دارند (أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَ جَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَ جَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ).

و نیز «میان دو دریا (از آب شیرین و شور) مانعی قرار داد» تا با هم مخلوط نشوند (وَ جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا). آیا بتها نقشی در این نظام بدیع و شگفت‌انگیز دارند؟! حتی بت پرستان چنین ادعایی نمی‌کنند. لذا در پایان آیه بار دیگر این سؤال را تکرار می‌کند که «آیا معبودی با الله هست»؟ (أَلِلَّهِ مَعَ اللَّهِ). نه «بلکه بیشترشان نادانند و بی‌خبر» (بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ).

برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۳۱

سوره النمل (۲۷): آیه ۶۲ ص: ۴۳۱

(آیه ۶۲) - در سومین سؤال، از این سؤالات پنجگانه که مجموعه‌ای از یک باز پرس و محاکمه معنوی را تشکیل می‌دهد، سخن از حل مشکلات، و شکستن بن بستها و اجابت دعاهاست.

می‌گوید: آیا معبودهای بی‌ارزش شما بهترند «یا کسی که دعای مضطر و درمانده را هنگامی که او را بخواند به اجابت می‌رساند و گرفتاری و بلا را بر طرف می‌کند»؟! (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاً وَ يَكْشِفُ السُّوءَ). آری! در آن هنگام که تمام درهای عالم اسباب به روی انسان بسته می‌شود و از هر نظر درمانده و مضطر می‌گردد، تنها کسی که می‌تواند قفل مشکلات را بگشاید نور امید در دلها بپاشد ذات پاک اوست و نه غیر او.

از آنجا که این واقعیت به عنوان یک احساس فطری در درون جان همه انسانهاست، بت پرستان نیز به هنگامی که در میان امواج خروشان دریا گرفتار می‌شوند تمام معبودهای خود را فراموش کرده، دست به دامن لطف «الله» می‌زنند همان گونه که قرآن می‌گوید: «هنگامی که سوار کشتی می‌شوند خدا را می‌خوانند در حالی که پرستش را مخصوص او می‌دانند». (عنکبوت/ ۶۵) سپس می‌افزاید: نه تنها مشکلات و ناراحتیها را بر طرف می‌سازد بلکه «شما را خلفای زمین قرار می‌دهد» (وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ).

«آیا (با این همه) معبودی با خداست»؟ (أَلِلَّهِ مَعَ اللَّهِ).

«ولی شما کمتر متذکر می‌شوید» (فَلَيْلًا مَا تَذَكَّرُونَ). و از این دلایل روشن پند و اندرز نمی‌گیرید.

سوره النمل (۲۷): آیه ۶۳ ص: ۴۳۱

(آیه ۶۳) - در چهارمین سؤال مسأله هدایت را مطرح کرده، می‌گوید: آیا این بتها بهترند «یا کسی که شما را در تاریکیهای صحرا و دریا (به وسیله ستارگان) هدایت می‌کند»؟ (أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَ الْبَحْرِ).

«و کسی که بادها را به عنوان بشارت دهندگان پیش از نزول رحمتش می‌فرستد» (وَ مَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ).

بادهایی که بیانگر نزول بارانند و همانند پیک مخصوص بشارت، پیشاپیش آن حرکت می کنند. برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۳۲

و در پایان آیه، بار دیگر، مشرکان را مخاطب ساخته، می گوید: «آیا معبود دیگری با خداست»؟! (أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ). سپس بی آنکه منتظر جواب آنها باشد اضافه می کند: «خداوند برتر و بالاتر است از آنچه برای او شریک قرار می دهند» (تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۶۴ ص: ۴۳۲

(آیه ۶۴) - در این آیه پنجمین سؤال را که در مورد مبدأ و معاد است به این صورت مطرح می کند: آیا معبودان شما بهترند «یا کسی که آفرینش را آغاز کرد و سپس آن را اعاده می کند»؟! (أَمْ مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ). «و کسی که (در میان این آغاز و انجام) شما را از آسمان و زمین روزی می دهد» (وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ). «آیا (با این حال باز هم معتقدید که) معبودی با خداست» (أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ). «به آنها بگو: (اگر چنین اعتقادی دارید) دلیلتان را بیاورید اگر راست می گوید» (قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ). منظور از «رزق آسمان» باران و نور آفتاب و مانند آن است، و منظور از «رزق زمین» گیاهان و مواد غذایی مختلفی است که مستقیماً از زمین می روید یا بطور غیر مستقیم از زمین نشأت می گیرد همچون دامها، همچنین معادن و مواد گوناگونی که انسان در زندگی خود از آن بهره می گیرد.

سوره النمل (۲۷): آیه ۶۵ ص: ۴۳۲

(آیه ۶۵) - از آن جا که در آیه قبل سخن از قیامت و رستاخیز به میان آمد در اینجا این مسأله را از جوانب مختلف مورد بررسی قرار می دهد.

نخست به پاسخ سؤالی می پردازد که مشرکان بارها آن را مطرح کرده بودند و می گفتند قیامت کی بر پا می شود؟ می فرماید: «بگو: هیچ کس از کسانی که در آسمان و زمین هستند - جز خدا - از غیب آگاه نیستند، و نمی دانند کی برانگیخته می شوند» (قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَ مَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ). ولی این منافات با آن ندارد که خداوند بخشی از علم غیب را در اختیار هر کس بخواهد بگذارد. برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۳۳

سوره النمل (۲۷): آیه ۶۶ ص: ۴۳۳

(آیه ۶۶) - سپس در باره عدم آگاهی مشرکان از قیامت و شک و تردید و بی خبریشان می فرماید: «آنها اطلاع صحیحی در باره آخرت ندارند بلکه در اصل آن شک دارند بلکه نسبت به آن نابینايند»! (بَلِ ادَّارَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا بَلْ هُمْ مِنْهَا عَمُونَ).

چرا که نشانه های آخرت در زندگی همین دنیا نمایان است: باز گشت زمین مرده به حیات در فصل بهار، بارور شدن درختانی که در فصل زمستان از کار افتاده بود و مشاهده عظمت قدرت خدا در مجموعه آفرینش، همگی دلیل بر امکان زندگی پس از

مرگ است، اما آنها همچون نابینایان از کنار این صحنه‌ها می‌گذرند.

سوره النمل (۲۷): آیه ۶۷ ص: ۴۳۳

(آیه ۶۷) - این آیه منطق منکران رستاخیز را در یک جمله بیان می‌کند «کافران گفتند: آیا هنگامی که ما و پدرانمان خاک شدیم باز هم (از دل خاک) بیرون فرستاده خواهیم شد؟» (وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا أَإِنَّا لَمُخْرَجُونَ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۶۸ ص: ۴۳۳

(آیه ۶۸) - سپس آنها می‌افزایند: «این وعده بی‌پایه‌ای است که به ما و پدرانمان از پیش داده شده» و هرگز اثری از آن نمایان نبوده و نیست (لَقَدْ وَعَدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ).

«اینها جز همان افسانه‌های پیشینیان نیست»، اینها اوهام و خرافات است (إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ).

بنا بر این نخست از استبعاد شروع می‌کردند و بعد آن را پایه انکار مطلق قرار می‌دادند.

ضمناً آنها با این تعبیر می‌خواستند سخن پیامبر را در مورد قیامت تحقیر کنند و بگویند: این از وعده‌های کهنه و بی‌اساس است که دیگران هم به نیاکان ما داده‌اند و مطلب تازه‌ای به نظر نمی‌رسد که قابل بررسی و مطالعه باشد.

سوره النمل (۲۷): آیه ۶۹ ص: ۴۳۳

(آیه ۶۹) - در آیات گذشته سخن از انکار معاد از سوی کفار متعصب بود.

در اینجا به جای این که دلیلی برای آنها ذکر کند آنها را به مجازاتهای الهی که در پیش دارند تهدید و انذار می‌کند.

روی سخن را به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَرَدَه، می‌گوید: «بگو: در روی زمین سیر کنید برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص:

۴۳۴

(و آثار گذشتگان را ببینید) پس بنگرید عاقبت کار مجرمان و گنهکاران به کجا رسید؟ (قُلْ سَتِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ).

چگونه می‌گویید این وعده‌ها به نیاکان ما نیز داده شد و آنها نیز به آن اعتنا نکردند و ضرری هم ندیدند؟

سوره النمل (۲۷): آیه ۷۰ ص: ۴۳۴

(آیه ۷۰) - از توطئه‌های آنها نگران مباش! از آنجا که پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مخالفت آنها رنج می‌برد و به راستی دلش برای آنها می‌سوخت و عاشق هدایت و بیداری آنها بود و از سوی دیگر، همواره با توطئه‌های آنها مواجه بود این آیه، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ را دلداری داده، می‌گوید: «و (از تکذیب و انکار) آنها غمگین مباش» و زیاد غصه آنها را مخور (وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ).

«و سینه‌ات از توطئه آنان تنگ نشود» که ما پشتیبان و یار و یاور توایم (وَلَا تُكُنْ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۷۱ ص: ۴۳۴

(آیه ۷۱) - ولی این منکران لجوج به جای این که از این هشدار پیامبر دلسوز و مهربان و ملاحظه عاقبت کار مجرمان، پند و اندرز گیرند، باز در مقام سخریه و استهزاء بر آمده «و می گویند: اگر راست می گویند این وعده عذاب الهی، کی واقع خواهد شد؟! (وَ يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۷۲ ص: ۴۳۴

(آیه ۷۲) - در اینجا قرآن به پاسخ این گفتار سخریه آمیز آنها با لحنی کاملاً واقع بینانه پرداخته، می گوید: «به آنها بگو: شاید بعضی از آنچه را عجله می کنید نزدیک و در کنار شما باشد!» (قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ رَدْفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ). چرا عجله می کنید؟ چرا مجازات الهی را کوچک می شمیرید؟ چرا به خود رحم نمی کنید؟ آخر عذاب خدا شوخی نیست! احتمال بدهید به خاطر همین سخنانتان قهر و غضب خدا بر سر شما سایه افکنده باشد و به همین زودی بر شما فرود آید و نابودتان کند، این همه سر سختی برای چیست؟

سوره النمل (۲۷): آیه ۷۳ ص: ۴۳۴

(آیه ۷۳) - سپس به بیان این واقعیت می پردازد که اگر خداوند در مجازات شما عجله نمی کند، به خاطر فضل و رحمتش بر شماست، تا برای اصلاح خویش برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۳۵ و جبران گذشته به قدر کافی مهلت داشته باشید. می گوید: «و پروردگار تو نسبت به همه مردم فضل و رحمت دارد، ولی اکثر آنها شکر گزار نیستند» (وَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۷۴ ص: ۴۳۵

(آیه ۷۴) - و اگر تصور می کنند تأخیر مجازات آنها به خاطر آن است که خداوند از نیات سوء و اندیشه های زشتی که در سر می پرورانند بی خبر است، اشتباه بزرگی است چرا که: «پروردگار تو آنچه را سینه هاشان در خود پنهان می دارد و آنچه را آشکار می کنند به خوبی می داند» (وَ إِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَ مَا يُعْلِنُونَ). او به همان اندازه از خفایای درونشان آگاه است که از اعمال برون، و اصولاً پنهان و آشکار و غیب و شهود برای او یکسان است.

سوره النمل (۲۷): آیه ۷۵ ص: ۴۳۵

(آیه ۷۵) - سپس می افزاید: نه تنها خداوند، اسرار درون و برون آنها را می داند، بلکه علم او به قدری وسیع و گسترده است که «هیچ موجودی در آسمان و زمین، پنهان و مکتوم نیست مگر آن که در کتاب آشکار (علم پروردگار) ثبت است» (وَ مَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۷۶ ص: ۴۳۵

(آیه ۷۶) - در آیات گذشته سخن از «مبدء» و «معاد» در میان بود در اینجا با طرح مسأله «نبوت» و حقانیت قرآن، این بحث را تکمیل می کند.

به علاوه در گذشته روی سخن با مشرکان بود، و در اینجا از کفار دیگر همچون یهود و اختلافات آنها سخن می گوید. نخست می فرماید «این قرآن، اکثر چیزهایی را که بنی اسرائیل در آن اختلاف دارند برای آنها بیان می کند» (إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقُضُّ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ).

بنی اسرائیل در مسائل زیادی با هم اختلاف داشتند، در مورد «مریم» و «عیسی» و در مورد پیامبری که بشارتش در تورات داده شده، و همچنین در بسیاری از احکام دینی و مذهبی با یکدیگر اختلافاتی داشتند قرآن آمد و در این زمینه حق مطلب را ادا کرد.

برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۳۶

سوره النمل (۲۷): آیه ۷۷ ص: ۴۳۶

(آیه ۷۷) - و از آنجا که مبارزه با هر گونه اختلاف، مایه هدایت و رحمت است در این آیه به صورت یک اصل کلی می فرماید: «قرآن، هدایت و رحمت است برای مؤمنان» (وَإِنَّهُ لَهْدِيٍّ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ). آری! هدایت و رحمت است از نظر اختلاف زدایی، و مبارزه با خرافات.

سوره النمل (۲۷): آیه ۷۸ ص: ۴۳۶

(آیه ۷۸) - و از آنجا که گروهی از بنی اسرائیل در برابر حقایقی که قرآن باز گو کرده بود باز مقاومت به خرج دادند و تسلیم نشدند، در این آیه می افزاید: «پروردگار تو میان آنها (در روز قیامت) به حکم خود داوری می کند، و او توانا و داناست» (إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۷۹ ص: ۴۳۶

(آیه ۷۹) - و از آنجا که این سخنان علاوه بر بیان عظمت قرآن و تهدید بنی اسرائیل، وسیله ای برای آرامش و آسودگی خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله است در این آیه می افزاید: «بنا بر این بر خداوند توکل و تکیه کن» (فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ). توکل بر خدایی که عزیز است و شکست ناپذیر، و به هر چیز عالم و آگاه. بر او توکل کن و از مخالفت های آنها نترس «چرا که تو بر حق آشکار هستی» (إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۸۰ ص: ۴۳۶

(آیه ۸۰) - در اینجا این سؤال مطرح می شود اگر قرآن حق آشکار است، پس چرا این همه با آن مخالفت می کنند، آیات بعد در واقع جوابگوی این سؤال است.

می گوید: اگر آنها این حق مبین را پذیرا نمی شوند، و سخنان گرم تو در قلب سرد آنها اثر نمی کند جای تعجب نیست «چرا

که تو نمی‌توانی سخت را به گوش مردگان برسانی!» (إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى).

مخاطب تو زندگانند، آنها که روحی زنده و بیدار و حق طلب دارند، نه مردگان زنده نما که تعصب و لجابت و استمرار بر گناه، فکر و اندیشه آنها را تعطیل کرده است.

«حتی کسانی که (زنده‌اند اما) گوشهای آنها کر است نمی‌توانی سخن خود را به آنها برسانی، (مخصوصاً) هنگامی که پشت کنند و از تو دور شوند» (وَلَا تَسْمَعُ الضَّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ).

برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۳۷

سوره النمل (۲۷): آیه ۸۱ ص: ۴۳۷

(آیه ۸۱) - باز اگر آنها به جای گوش شنوا چشم بینایی داشتند، در این صورت گر چه صدا به گوش آنها نمی‌رسید، اما ممکن بود با علامت و اشاره صراط مستقیم را پیدا کنند، اما افسوس که آنها نابینا هم هستند «و تو نمی‌توانی نابینایان را از گمراهیشان باز گردانی» و هدایت کنی (وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ).

و به این ترتیب تمام راههای درک حقیقت به روی آنها بسته است، قلبهایشان مرده، گوشهایشان کر و چشمهایشان نابیناست. «تو فقط می‌توانی سخن خود را به گوش کسانی برسانی که آماده پذیرش ایمان به آیات ما هستند و در برابر حق تسلیمند» (إِنْ تَسْمَعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۸۲ ص: ۴۳۷

(آیه ۸۲) - از آنجا که در آیات گذشته سخن از استعجال کفار در مورد عذاب و یا تحقق رستاخیز بود.

در اینجا اشاره به قسمتی از حوادثی که در آستانه رستاخیز صورت می‌گیرد کرده، و سر نوشت دردناک این منکران لجوج را مجسم می‌سازد.

می‌گوید: «و هنگامی که فرمان عذاب فرا می‌رسد (و آنها در آستانه رستاخیز قرار می‌گیرند) جنبنده‌ای را از زمین، برای آنان خارج می‌کنیم که با آنها سخن می‌گوید، و سخنش این است که مردم به آیات ما (خدا) ایمان نمی‌آوردند» (وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ).

«دَابَّةُ الْأَرْضِ» در روایات متعددی بر شخص امیر مؤمنان علی علیه السلام تطبیق شده است و با در نظر گرفتن احادیث فراوان می‌توان از آن مفهوم کلی‌تری را استفاده کرد که بر هر یک از پیشوایان بزرگ که در آخر زمان قیام و حرکت فوق‌العاده می‌کنند و حق و باطل و مؤمن و کافر را از هم مشخص می‌سازند منطبق می‌شود.

سوره النمل (۲۷): آیه ۸۳ ص: ۴۳۷

(آیه ۸۳) - سپس به یکی دیگر از نشانه‌های رستاخیز اشاره کرده، می‌گوید:

به خاطر بیاور «روزی را که ما از هر امتی گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کردند محشور می‌کنیم، و آنها را

نگه می‌داریم تا به یکدیگر ملحق شوند» (وَيَوْمَ بَرَزْنَا لَهُمْ نَجْمًا مِّنَ الْأَرْضِ تُجَازِيهِمْ فَجْرًا كَذِبًا أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرُبَاتَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْتَبَرُونَ).

نَجْمًا مِّنَ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ).

بسیاری از بزرگان این آیه را اشاره به مسأله رجعت و بازگشت گروهی از بد کاران و نیکو کاران به همین دنیا در آستانه رستاخیز می دانند.

سوره النمل (۲۷): آیه ۸۴ ص: ۴۳۸

(آیه ۸۴) - «تا زمانی که (به پای حساب) می آیند، (به آنان) می گوید: آیا آیات مرا تکذیب کردید و در صدد تحقیق بر نیامدید؟ (حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوا قَالَ أَ كَذَّبْتُمْ بِآيَاتِي وَ لَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا).
«شما چه اعمالی انجام می دادید؟ (أَمَّا ذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ).
گویند این سخن خداوند است و منظور از آیات، معجزات پیامبران و یا فرمانهای الهی و یا همه اینهاست.

سوره النمل (۲۷): آیه ۸۵ ص: ۴۳۸

(آیه ۸۵) - بدیهی است این مجرمان در مقابل هیچ یک از این دو سؤال پاسخی ندارند که بدهند لذا در این آیه اضافه می کند:
«و فرمان عذاب الهی به خاطر ظلم و ستمشان در مورد آنها صادر می شود و آنها سخنی ندارند که بگویند!» (وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ).
این عذاب به معنی عذاب دنیاست هر گاه آیه را به معنی رجعت «۱» بدانیم، و به معنی عذاب آخرت است اگر آیه را به معنی قیامت بدانیم.

سوره النمل (۲۷): آیه ۸۶ ص: ۴۳۸

(آیه ۸۶) - حرکت زمین، یک معجزه علمی قرآن! بار دیگر در اینجا به مسأله مبدأ و معاد و نشانه های قدرت و عظمت خداوند در عالم هستی، و همچنین حوادث رستاخیز پرداخته چنین می گوید: «آیا ندیدند که ما شب را برای آرامش آنها قرار دادیم» (أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنَا فِيهِ).
«و روز را روشنی بخش» (وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا).
«در این امور نشانه ها و دلایل روشنی است (از قدرت و حکمت پروردگار) برای کسانی که آماده پذیرش ایمانند» (إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ).

(۱) «رجعت» از عقاید معروف شیعه است و تفسیرش در یک عبارت کوتاه چنین است: بعد از ظهور حضرت مهدی (عج) و در آستانه رستاخیز گروهی از «مؤمنان خالص» و «کفار و طاغیان بسیار شرور» به این جهان باز می گردند، گروه اول مدارجی از کمال را طی می کنند، و گروه دوم کیفرهای شدیدی می بینند.
برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۳۹

سوره النمل (۲۷): آیه ۸۷ ص: ۴۳۹

(آیه ۸۷) - این آیه به رستاخیز و مقدمات آن می‌پردازد و می‌گوید: «و (به خاطر بیاورید) روزی را که در صور دمیده می‌شود و تمام کسانی که در آسمانها و در زمین هستند در وحشت فرو می‌روند، جز کسانی که خدا بخواهد، و همگی با خضوع در پیشگاه او حاضر می‌شوند» (و يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَ كُلُّ اتَّوَّهٍ دَاخِرِينَ). از مجموعه آیات قرآن استفاده می‌شود که دو یا سه بار «نفخ صور» می‌شود:

یک بار در پایان دنیا و آستانه رستاخیز، که وحشت همه را فرا می‌گیرد.

بار دوم همگی با شنیدن آن قالب تهی می‌کنند و می‌میرند.

بار سوم به هنگام بعث و نشور و قیام قیامت است که با نفخ صور همه مردگان به حیات باز می‌گردند و زندگی نوینی را آغاز می‌کنند.

ولی ظاهر آیه نشان می‌دهد که در اینجا اشاره به نفخه اولی است که در پایان جهان صورت می‌گیرد.

سوره النمل (۲۷): آیه ۸۸ ص: ۴۳۹

(آیه ۸۸) - این آیه اشاره به یکی دیگر از آیات عظمت خداوند در پهنه عالم هستی کرده، می‌گوید: «و کوهها را می‌بینی و آنها را ساکن و جامد می‌پنداری در حالی که مانند ابر در حرکتند» (وَ تَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَ هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ). «این صنع و آفرینش خداوندی است که همه چیز را متقن آفریده» (صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَنْتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ).

کسی که این همه حساب و نظم در برنامه آفرینش اوست «مسلم از کارهایی که شما انجام می‌دهید آگاه است» (إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ).

آیه فوق از قبیل آیات توحید و نشانه‌های عظمت خداوند در همین دنیا است و به «حرکت کره زمین» که برای ما محسوس نیست اشاره می‌کند.

سوره النمل (۲۷): آیه ۸۹ ص: ۴۳۹

(آیه ۸۹) - در آیات گذشته سخنی از اعمال بندگان و آگاهی خداوند نسبت به آن در میان بود و در این آیه سخن از پاداش

عمل و ایمنی آنها از فزع روز قیامت است. برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۴۰

می‌فرماید: «کسانی که حسنه و کار نیکی انجام دهند پاداشی بهتر از آن خواهند داشت و آنها از وحشت در آن روز در امان خواهند بود» (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فَزَعِ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ).

«حسنة» در اینجا مفهوم وسیعی دارد که همه اعمال نیک را در بر می‌گیرد، از جمله ایمان به خدا و پیامبر اسلام و ولایت ائمه علیهم السلام که در رأس هر کار نیک قرار دارد و مانع از آن نیست که اعمال صالح دیگر نیز در آیه جمع باشد.

سوره النمل (۲۷): آیه ۹۰ ص: ۴۴۰

(آیه ۹۰) - سپس به نقطه مقابل این گروه پرداخته، می‌گوید: «و کسانی که «سیئه» و کار بدی انجام دهند به رو در آتش

افکنده می‌شوند!» (وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ).

و جز این توقعی نمی‌توانند داشته باشند «آیا جزایی جز آنچه عمل می‌کردید خواهید داشت؟! (هَيْلٌ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ

تَعْمَلُونَ).

آنها هنگامی که مواجه با حق می شدند، صورت خود را بر می گرداندند و با همان صورت از گناه استقبال می کردند اکنون باید گرفتار چنین مجازاتی شوند.

سوره النمل (۲۷): آیه ۹۱ ص: ۴۴۰

(آیه ۹۱) - آخرین مأموریت پیامبر صلی الله علیه و آله در سه آیه آخر این سوره، روی سخن را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کرده و حقایقی را باز گو می کند که در واقع بیانگر این واقعیت است که به آنها بگو: من وظایف خودم را انجام می دهم، چه شما مشرکان لجوج ایمان بیاورید و چه نیاورید.

نخست می فرماید: «من مأمورم پروردگار این شهر (مقدس مکه) را عبادت کنم!» (إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدِ). این شهر مقدسی که تمام افتخار شما و موجودیتتان در آن خلاصه می شود، شهر مقدسی که خدا آن را با برکاتش به شما ارزانی داشته ولی شما به جای شکر نعمتش، کفران می کنید.

آری! من مأمورم «پروردگاری را (عبادت کنم) که این شهر را حرمت نهاده» (الَّذِي حَرَّمَهَا).

اما تصور نکنید که فقط این سر زمین ملک خداست بلکه «همه چیز (در عالم برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۴۱ هستی) به او تعلق دارد» (وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ).

و دومین دستور که به من داده شده این است: «و من مأمورم که از مسلمین باشم» تسلیم مطلق در برابر فرمان پروردگار و نه غیر او (وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ).

و به این ترتیب دو مأموریت اصلی خود را که «پرستش خداوند یگانه» و «تسلیم مطلق در برابر فرمان» اوست بیان می دارد.

سوره النمل (۲۷): آیه ۹۲ ص: ۴۴۱

(آیه ۹۲) - سپس ابزار وصول به این دو هدف را چنین بیان می کند: «و (من مأمورم) قرآن را تلاوت کنم» (وَأَنْ أَتْلُوا الْقُرْآنَ). از فروغ آن شعله گیرم، و از چشمه آب حیاتبخش جرعه ها بنوشم، و در همه برنامه ها بر راهنمایی آن تکیه کنم، آری این وسیله من است! و به دنبال آن اضافه می کند: تصور نکنید ایمان آوردن شما سودی به حال من و یا از آن بالاتر سودی برای خداوند بزرگ دارد، نه «پس هر کس هدایت شود برای خود هدایت می یابد» (فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ). و تمام منافع هدایت چه در این جهان و چه در جهان دیگر عائد خود او می شود.

«و هر کس گمراه شود» (وزر و وبالش به گردن خود اوست) بگو: من فقط از انذار کنندگان و بیم دهندگانم و عواقب شوم آن دامن مرا نمی گیرد» (وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ).

سوره النمل (۲۷): آیه ۹۳ ص: ۴۴۱

(آیه ۹۳) - و سر انجام در آخرین آیه به پیامبر دستور می دهد که خدا را در برابر این همه نعمتهای بزرگ مخصوصا نعمت هدایت، حمد و ستایش کن می فرماید: «بگو: حمد و ستایش مخصوص ذات خداست» (وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ).

این حمد و ستایش هم به نعمت قرآن باز می گردد، هم هدایت الهی و هم می تواند مقدمه ای برای جمله بعد باشد که

می گوید: «به زودی آیاتش را به شما نشان می دهد تا آن را بشناسید» (سَبِّحْكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا).

این تعبیر اشاره به آن است که با گذشت زمان و پیشرفت علم و دانش و خرد برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۴۲ آدمی، هر روز پرده از آیات جدید و اسرار تازه‌ای از عالم هستی برداشته می شود، و روز به روز به عظمت قدرت و عمق حکمت پروردگار آشنا تر می شوید، و این ارائه آیات هرگز قطع نمی شود و در طول عمر بشر همچنان ادامه دارد. اما اگر با این همه، باز راه خلاف و انحراف بپیمایید، بدانید: «پروردگار شما هرگز از کارهایی که انجام می دهید غافل نیست» (وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ).

و اگر کیفر شما را تأخیر می اندازد به خاطر لطفش به بندگان است.

«پایان سوره نمل»

برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۴۳

سوره قصص [۲۸] ص: ۴۴۳

اشاره

این سوره در «مکه» نازل شده و ۸۸ آیه است

محتوای سوره: ص: ۴۴۳

این سوره در شرایطی که مؤمنین در چنگال دشمنان نیرومندی گرفتار بودند، دشمنانی که هم از نظر جمعیت و تعداد، و هم قدرت و قوت بر آنها برتری داشتند، نازل شده است. این اقلیت مسلمان، چنان تحت فشار آن اکثریت بودند، که جمعی از آینده اسلام بیمناک و نگران به نظر می رسیدند.

از آنجا که این حالت شباهت زیادی به وضع بنی اسرائیل در چنگال فرعونیان داشت، بخشی از محتوای این سوره را داستان «موسی» و «بنی اسرائیل» و «فرعونیان» تشکیل می دهد، بخشی که در حدود نیمی از آیات این سوره را در بر می گیرد. و مخصوصاً در آغازش نوید حکومت حق و عدالت را برای مستضعفین و بشارت در هم شکستن شوکت ظالمان را باز گو می کند، بشارتی آرام بخش و قدرت آفرین.

بخش دیگری از این سوره داستان «قارون» آن مرد ثروتمند مستکبر را که تکیه بر علم و ثروت خود داشت باز گو می کند که بر اثر غرور، سر نوشتی همچون سر نوشت فرعون پیدا کرد او در آب فرو رفت و این در خاک.

و میان این دو بخش درسهای زنده و ارزنده‌ای از توحید و معاد، و اهمیت قرآن، و وضع حال مشرکان در قیامت، و مسأله هدایت و ضلالت، و پاسخ به برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴۴۴

بهانه جویبهای افراد ضعیف، آمده است که در حقیقت نتیجه‌ای است از بخش اول و مقدمه‌ای است برای بخش دوم.

فضیلت تلاوت سوره: ص: ۴۴۴

در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می خوانیم: «کسی که سوره قصص را بخواند به تعداد هر یک از کسانی که